

ماساژ درمانی در ایران باستان

دکتر فاروق صفی زاده



الکترونیکی به ۲۷۵۰ سال قبل از میلاد مسیح در ایران بر می گردد. افراد بیمار را در معرض شوک الکتریکی که از طریق نوعی ماهی ایجاد می گردید قرار می دادند. در سال ۴۰۰ قبل از میلاد، طالس با مالش مواد کهربایی توانست نیروی الکتریکی ایجاد نماید.

درمان از طریق نیروهای مغناطیسی حتی به زمان های قدیمی تر بر می گردد. در ایران صد هزار سال قبل سنگ هایی با آلیاژ آهن استخراج می گردید که به سنگ سرخ معروف بود که برای درمان امراض در مراسم مذهبی به کار می رفت. آهن ربا و سنگ هایی با بار مغناطیسی در ایران، مصر قدیم و چین به کار می رفت. شیوه های شفا بخش در اوستا، تورات و سایر کتاب های مقدس از سراسر جهان معرفی شده اند. درمان مریض از طریق گذاشتن دست بر روی پیکره بیمار (ماساژ درمانی) از طرف زردشت و سپس حضرت عیسی در تصاویر نشان داده شده است. این شیوه هنوز در برخی از کلیساها و مراکز مقدس مسیحی انجام می پذیرد.

نسخه های مدرن این شیوه درمان امروزه تشخیص بیماری از طریق لمس - لمس شفا بخشی و با درمان مغناطیس می باشد^۲

روش مالیدن تکنیک گیاه درمانی در ایران باستان بوده است. شستشوی بدن با عصاره و ماساژ با گیاهان بسیار رایج بود و از این رو برای آب خواص بهی بخشی قابل بودند و چون این آب ها با ریشه و برگ و تخم گیاهان سودمند دارویی آمیخته بودن آن ها

ایرانیان قوای بدن انسان را به پنج دسته تقسیم نموده و بیماران روانی را دگرگونی این پنج نوع می دانستند که عبارت اند از: ۱- اهو یا جان ۲- دثنا یا وجدان ۳- بئوزا یا ادراک ۴- اروان یا روان ۵- فره وشی را روح ازلی و ابدی در ایران باستان علم پزشکی رواج داشت: ۱- گیاه درمانی ۲- کاربرد درمانی یا جراحی ۳- مانتره درمانی یا تلقین و مدی تیشن

حمزه اصفهانی در نوشته های خود، سریتا را بنیانگذار دو دانش پزشکی و داروشناسی می نامد که از راه های خاص و ویژه به دفع موجودات شریر (میکروب ها) و درمان بیماری ها می پرداخته است. سریتای پزشک برای درمان تجسس می کرد و از فلزات، درمان برای مقابله با درد و برای مقابله با مرگ بی هنگام و برای مقابله با سوختن و برای مقابله با تب و سردرد و تب و لرز و مرض اژهو و مرض پلید (جدام) و مارگزیدن و مرض دوروکه و مرض ساری و نظر بد و گندیدگی و کثافت درمان هایی به دست آورد.^۱

ایرانیان باستان، بخصوص سریتا مغناطیس گیاهان را کشف کرده بودند و از مغناطیس گیاهان برای درمان بیماری ها استفاده می کردند.

تکنیک گیاه درمانی در ایران باستان به سه روش بوده است:

۱- خوراکی ۲- مالیدن (ماساژ) ۳- بخوردادن

روش بخوردادن همان سود جستن از مغناطیس درمانی بوده است. در ایران باستان گیاهان و صمغ های مختلف را بر آتش نهاده خود را بخور می دادند.

در دینکرت به پنج وسیله درمان بیماری ها را ذکر کرده است. بدین شکل: اول کلام مقدس، دوم آتش، سوم گیاه، چهارم کرد، پنجم ماساژ درمانی اولین شیوه درمان از طریق شوک

پزشکی یکی از دانش هایی است که در ایران ریشه ی چند هزار ساله دارد. بر اساس متون دینی باستان ایرانی، نخستین کسی که توجه به تندرستی را در میان مردم رواج داد جمشید پادشاه پیشدادی می باشد. گیاه درمانی و طب سنتی را جمشید میان مردم رواج داد. پس از جمشید، زردشت به عنوان پیامبر باستان در دانش پزشکی نیز سرآمد بود و در کتاب اوستا نکته های بسیار مهمی درباره پزشکی آمده است.

قبل از زردشت، طبق کتاب آوستا، «سریتا» نخستین پزشک شناخته شده ایرانی است که به مداوای بیماران می پرداخت و بیمارستانی نیز برپا کرده بوده که طبق این نظریه نخستین بیمارستان جهان در ایران به وجود آمده است.

گزنفون مورخ ایرانی می نویسد: کورش عده ای از پزشکان را نزد خود طلبید و هرگونه دارو، مشروبات و اغذیه که برای تندرستی نافع بود پرسش می نمود و خود مایل به ساختن و تحصیل خواص آن ها بود. لذا کورش در سراسر ایران بزرگ بیمارستان هایی برپا کرد.

واژه ی پزشکی قدمت چندین هزار ساله دارد. ریشه این واژه در آوستا بشه Baeshaza می باشد که به معنی آسیب زدا و بشه زو Baeshazu به معنی آسیب زدایی است.

این واژه در اردیبهشت یشت آوستا بنده آمده است: با توجه به پیوستگی دین زردشت با پزشکی در ایران باستان، پزشکان از طبقه روحانیون (موبدان) بودند، زیرا پزشکی با الاهیات همراه بود. با نگاه به این دو نکته در طب آوستایی یکی توامان طب و الاهیات و دومی نیز ارائه درمان طب گیاهی از سوی آذربانان می توان گفت که نخستین بار دانش پزشکی در ایران نشو و نما کرده است.

را ویسپویش یعنی درمان کل می خواندند. چنان که در داتستان دینیک آمده است: آب اردویسور از جایی می گذرد که در آن جا بسیاری از گیاهان درمان بخش روئیده و آن آب باریشه و برگ های آن ها آمیخته شده آب هروسپ تخمک (دارنده تخمه ها) نامیده می شود و زداینده بیماری هاست. هم چنین در آبان یشت بند ۱-۲ آمده است: بر رود اردویسور آناهیتا درود باد که به همه جا گسترده است، درمان بخشنده دردهاست و باید ستوده جهانیان باشد. آن که نطفه مردان را پاک کند، زهدان زنان را پاک کند، شیر آن ها تصفیه نماید^۳. فرودسی نیز آورده است:

**تنش با گیاهان کوهی بشست
همی داشتش هر زمان تندرست**

از دیگر مباحث پزشکی که در ایران باستان رایج بوده و ماساژ درمانی را می توان زبر مجموعه آن دانست طب سوزنی - فشاری می باشد. طب سوزنی از ایران به چین رفت و از آن جا به سایر کشورها رسوخ کرد.

در برخی از قبور شاهزادگان و شخصیت های تاریخی ایرانی از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد در کاوش ها سوزن های طلائی و نقره ای کشف شده که نشان می دهد طب سوزنی رواج داشته است.

طب سوزنی مدت ۲۰ قرن بدور از دستبرد حوادث متکی بر اصول مدون و صحیح دست نخورده باقی مانده است و بعدها که با فلسفه چینی مخلوط و در آن وارد گردیده است، از گزند خرابکاری معاندان برکنار مانده است. از نظر دانشمندان ایران باستان، جهان آفرینش مجموعه واحدی است که در آن همان طور که قرن ها بعد ملاصدرا فیلسوف شهیر ایران به اثبات رسانید، ماده و انرژی دو نماداز یک حقیقت واحد هستند. این قدرت حیاتی که به طور ضمنی ماده و انرژی را در بر می گیرد، یعنی «تاو» TAO در تمام کائنات پراکنده و منتشر می باشد. در کائناتی که با جزو خیلی کوچکی از آن بوده با آن در ارتباط دائم می باشیم، همین TAO خود به دو فرم یا به طور صحیح تر به دو صورت ظاهر می شود که دوروی مختلف از یک حقیقت واحد می باشد. این دو رو هستند که به نام های «این» INN و «یانگ» YANG نامیده شده اند که در ایران باستان نام این دو انگره مینیو و سپنتامینو می باشد. این و یانگ یکی پس از دیگری رسیده یکی در دیگری نفوذ می نماید، به عبارتی دیگر دو وجه متعاقب و متنافذ یکدیگر می باشند. آن ها در واقع دو سطح شیب دار با یک فصل مشترک از حقیقت واحد می باشند که یکی ادامه دیگری است چون روز و شب. فرد بشری سراپا غرق در این انرژی است. انرژی که از منابع متعددی سرچشمه می گیرد، منابع خارجی و منابع داخلی، هوایی را که استنشاق می کنیم، غذایی را که جذب می کنیم سرچشمه انرژی است. به علاوه قدرت روحی، هیجانات شهوانی و جنسی نیز از وجود ما تراوش و بروز می کند. این قدرت حیاتی سراسر اعضاء بدن ما را در برگرفته در هر سانتی متر از پوست ما جریان دارد. این انرژی و قدرت حیاتی، نقاط و جایگاه های مخصوصی را به طور دلخواه در بدن ترجیح می دهد و در آن ها آسان تر و با سهولت بیشتری جاری می گردد. این جایگاه ها به طور دائم با اعضاء داخلی و خارجی بدن ما در ارتباط می باشد و در سراسر پوست بدن ما به صورت خطوطی رشته دوانیده حضور خود را در همه جا اعلام می دارد این خط در پزشکی غرب خطوط نصف النهاری یا مریدیان meridians نامیده می شود. انرژی حیاتی در سراسر این خطوط نصف النهاری بدن و در تمام طول

زندگی بشر جریان دارد. انرژی مزبور به خصوص در نقاط طب سوزنی متمرکز تر و فشرده تر جمع می شود و تشکیل گروه های حقیقی در دستگاه حیاتی فرد زنده می دهد. بنابر این به خوبی می شود درک کرد چنان که جلو این جریان انرژی سد شود یا مانعی به وجود آید که جریان طبیعی آن را مختل سازد در ابتدا بی نظمی در دستگاه انجام وظایف حیاتی عضو مربوطه پدید آمده سپس بیماری ظاهر می شود، از این رو هرگونه عاملی که در سطح نقاط تجمع انرژی عمل کند، می تواند به جریان طبیعی انداختن مجدد انرژی کمک نماید و اثر نیکویی در سراسر شبکه و اعضای وابسته به آن داشته باشد.

سنت به ما می آموزد چه نقاطی را برای تقویت یعنی تحریک بخشیدن به اعضای مربوط به آن باید سوزن زد یا ماساژ داد و بر عکس چه نقاطی را به منظور پراکنده ساختن یعنی تسکین دادن باید مورد معالجه فشار قرار داد.

در سطح پوست از مدت ها قبل این نکته مورد توجه قرار گرفته بود که مناطقی از پوست که به نقاط طب سوزنی (طب فشاری) و خطوط نصف النهاری بدن یا مریدیان ها ارتباط دارد خواص استثنایی از خود بروز می دهد که پوست بقیه مناطق بدن فاقد آن می باشد.

حساسیت این خاصیت، در این مناطق شدیدتر می باشد و به طور اخص حساسیت الکتریکی می باشد. تعبیر اخیر از اختراع و تکمیل دستگاه دقیقی سرچشمه می گیرد که به ما امکان می دهد نقاط را به طور مشخص ردیابی نموده و آن را با تخلیه کوچک بار الکتریکی اش مورد معالجه و درمان قرار دهیم، ولی اقدامات مشخص و دقیق مدت ها غیر ممکن می نمود. به این علت که کوچک ترین تماس، کم ترین فشار بر روی پوست یک میدان الکتریکی مغشوش کننده به وجود می آورد که استعمال هرگونه ردیاب فلزی را منتفی می ساخت. در این ناحیه فیزیولوژی کامل و نوینی به وجود می آید که مقاومت عضو و خبررسانی آن را مورد مطالعه و بحث قرار می دهد.

این گیرنده هایی که از سوزن های کوچک و یا فشار انگشتان ما اطاعت کرده دستورات بهسازی و درمان را به طبقات عمیق بدن ما می رسانند کدام ها هستند؟ این گیرنده ها تعداد زیادی هستند. بر طبق آخرین تحقیقات، انواع این گیرنده ها از پنج نوع مختلف کمتر نمی باشد. فراوان ترین آن ها در عمق عضلات قرار گرفته اند. نوع دیگر از گیرنده ها در تاندون ها یا رباط های عضلانی قرار گرفته است. یک نوع دیگر گیرنده ها در مفاصل و پوست قرار دارد و موضوع عجیب آن که این گیرنده ها در ساختمان مختلف عصبی وارد شده اند. مانند صفحات محرک عضلات یا در ساختمان کور پوسکول های حسی (جسمینه های حسی) بعضی از آن ها در قسمت انتهایی اعصاب آزاد داخل شده اند^۴

پاورقی

- ۱- وندیداد، باب بیستم، فقره ۱ تا ۳
- ۲- نک: پایه های علمی درمان از طریق انرژی، دکتر نادعلی اسماعیلی، انتشارات نادعلی، ساری، ۱۳۸۷
- ۳- پزشکی در ایران باستان، دکتر سهراب خدابخش، فروهر، تهران، ۱۳۷۶
- ۴- طب فشاری، دکتر روزه واله، کتابخانه لاروس، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۱